مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۱۶۹
یکشنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۵۸ - تکشماره ۱۵ ریال

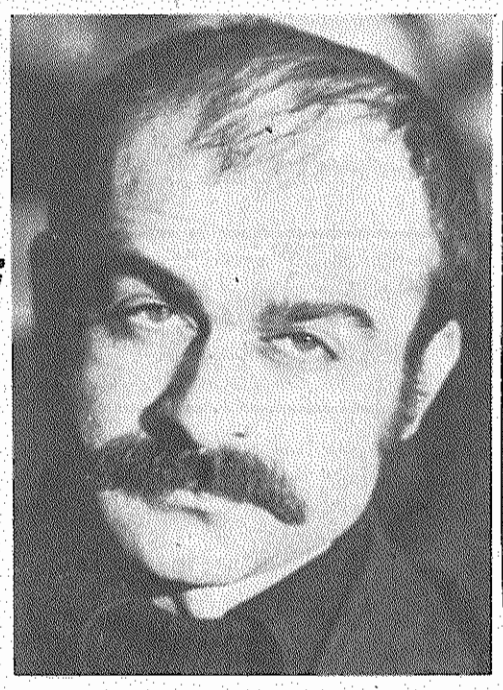

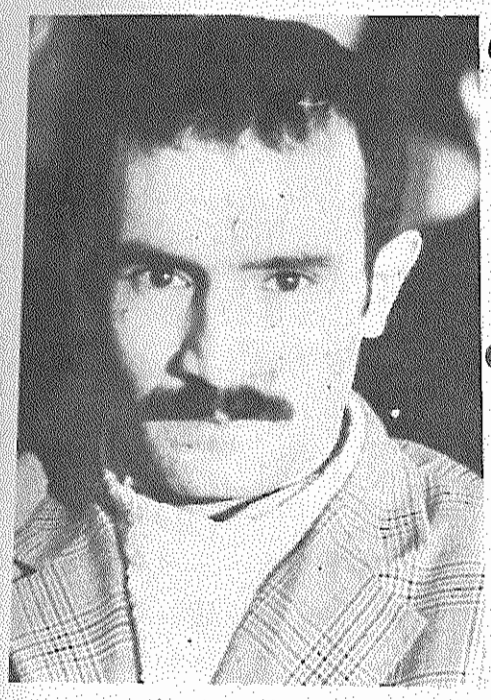

۶ سال از شهادت خسرو گلسرخی و کرامت‌الله دانشیان گذشت

گل پرپر ایران گلسرخی...

کرامت و خسرو، بیدادگاه نظامی شاه را به دادگاه محاکمه رژیم تبدیل کردند.

صفحه ۴

با استفاده از آخرین تجربیات و تکنولوژی معاصر:

ایران را در برابر «بلایای طبیعی» مجهز کنیم

● هر سال صدها زحمتکش ایرانی قربانی سیل و زلزله میشوند

سیل خانمان‌برانداز درجنوب کشور عزیزمان خانه‌های زیادی را ویران کرد. طبق آخرین اخبار رسیده، ۲۰۰ زحمتکش ایرانی قربانی سیل شده‌اند.

خبرهائی که از جنوب ایران میرسد، قلب هر ایرانی وطن دوستی را سخت آزرده می‌کند: «۲۰۰۰ کیلومتر از جنوب زیر آب رفته است.»، «۹۰ درصد شهرها روستاها زیر آب رفته‌اند»، «۱۰۰۰۰ خانه حصیری خرمشهر درهم کوبیده شده است»، «خط آهن جنوب درچند منطقه، زیر آب رفته است»، «چند پل روستائی در مسیر جاده اهواز - شوشتر شکسته شده است»، «ارتباط با روستاها قطع شده است»، «لوله نفت درمناطق مارون شکست ونفت فراوانی سطح این رودخانه را پوشانده است» و... (نقل از کیهان - اطلاعات - انقلاب اسلامی - جمهوری اسلامی - ۲۳ بهمن).

سیل جنوب کشور، که تعداد زیادی ازهموطنان ما را از آنچه بودند فقیرتر کرد و به دامنه نیاز توده‌های زحمتکش جنوب افزود، اولین بلیه طبیعی امسال نیست. زلزله قائن، که در پائیز امسال صدها نفر را بی‌خانمان کرد، با این حادثه فاصله چندانی ندارد.

اگر نیروهای طبیعت را «آزاد» بپنداریم، روی دادن این حوادث در کشور ما امری طبیعی است، زیرا ایران به اصطلاح در زمره کشورهای «بلاخیز» است. وسعت کشور و تنوع آب و هوا در آن وقوع حوادث گوناگون را در ایران به فراوانی امکان پذیر کرده است. ازسوی دیگر ایران روی یکی از کمربندهای زلزله قرار دارد و باین ترتیب روی دادن زلزله‌های وحشتناک، که در آن در لحظه‌ای هزاران نفر کشته وصدها روستا وبخشی ازیک شهر ویران شوند، امری «طبیعی» است.

اگر نیروهای طبیعت را «آزاد» بپنداریم، هر سال باید دستکم صدها نفر درایران قربانی سیل وزلزله شوند اما نیروهای طبیعت بطور مطلق آزاد نیستند. درآستانه قرن بیست و یکم، انسان به‌یاری علم وآخرین دستاوردهای تکنولوژی هزاران بند براین نیروها زده ونیروی ویرانگر آنها را تاحدود زیادی مهار کرده است.

در آستانه قرن بیست ویکم امکان اینکه نیروهای طبیعت اسیر انسان شوند زیاد است. ازاینرو بلایای طبیعی رابطه مستقیم باسیستم‌های حاکم بر کشورها دارند. درکشورهای پیشرفته سرمایه‌داری تا آن حد معین که طبقات حاکم مجبورند در اندیشه حفظ جامعه در برابر این بلایای طبیعی باشند، جامعه تاحدودی در مقابل بلایای طبیعی مجهز شده است. برای مثال در ژاپن، که مانند ایران یکی ازکشورهای زلزله‌خیز جهان است، هرگز بر ویرانه‌های قبلی بناهای بدون قاعده علمی که در مقابل زلزله مقاوم نباشند، ساخته نشده وبرعکس ساختمانها بگونه‌ای ساخته شده‌اند که درمقابل شدیدترین زلزله‌ها هم مقاومت می‌کنند. درکشورهای سوسیالیستی هم که دولت درخدمت توده‌ها و ازخود آنهاست، درمناطقی که با بلایای طبیعی مانند سیل وزلزله مواجه هستند، سدها فراهم آمده‌اند، کانال‌های «سیل‌بر» زده‌اند وعمارات و ساختمانها بر مبنای آخرین محاسبات ساخته شده‌اند. هم باین دلیل است که کمی خبری ازکشتار زلزله وسیل مثلا دراتحاد شوروی نمی‌شنود. اما هرچه خبر است یا در کشورهائی چون ایران است که سالها تحت ستم بوده‌اند ویا ازشیلی وبرزیل وکنگو و... است که هنوز تحت ستم هستند.

درایران «آریامهری» کار بجائی رسیده بود که بلایای طبیعی برای مردم امری «عادی» شده بود. هر سال در چند نقطه ایران مردم محروم ما گرفتار سیل وتوفان و زلزله میشدند ورژیم جنایت‌پیشه شاه مخلوع، که در حرف از ساختن عمارات ضدزلزله وساختن سدهای سیل‌گیر سخن میگفت، کاردا بایک بازدید فرمایشی «شاهانه» و چند دستور قلابی تمام میکرد و تازه کمک‌های مردم هم توسط دلالان و دزدان در بازارهای مکاره فروخته میشد

ایران انقلابی، که درست بخاطر رها شدن از چنین جهنمی دست به انقلاب زد وهزاران شهید داد، باید از این دایره نکبت‌بار بیرون بیاید. در ایرانی که بشهادت آقای معین‌فر در مصاحبه تلویزیونی «هجوم سیل به‌خوزستان قابل پیش‌بینی بود»، باید مردم را برای مقابله باین وضع و یا هرواقعه طبیعی دیگری مجهز کرد.

صحبت بر سر این نیست که بر مردگان اشک بریزیم. ما بر آنیم که باید دراندیشه فردای زنده‌ها باشیم. سخن برسر این نیست که «همین امروز» ساختمانهای ضدزلزله و سیل بسازیم. سخن بر سر اینست که از همین امروز تدارک ببینیم، شرایط اقلیمی کشور را بررسی کنیم و در همه جا و اول از همه در خوزستان با استفاده از دانش معاصر راه را بر حوادث دردناک آینده ببندیم

میتوان ازهم اکنون با تهیه نقشه‌های دقیق ومفصل، باساختن کانال‌ها و آبروهای گوناگون، ایجاد مسیل‌ها و لایروبی رودخانه کارون، برای مبارزه باسیلی که فردا جاری خواهد شد، آماده شد واز قدرت تخریبی آن کاست. آنگاه باید مناطقی را که درمعرض سیل قرار دارند، شناسائی کرد وخانه‌های آن مناطق، بویژه خانه‌هائی را که ویران شده‌اند، براساس موازین علمی بنا کرد وباین ترتیب وباسود جستن ازتجربیات غنی دیگر کشورها برسیل مهار زد.

به‌موازات این امر باید به‌قائن، به‌طبس، به‌روستاهای خراسان به‌دشت لارو به‌روستاهای قزوین، که زلزله خیزترین مناطق ایران هستند، رفت. دراین مناطق زلزله، هزاران مستضعف را کشتار کرده است وبازماندگان، برهمان ویرانه‌ها، خانه‌های گلی بنا کرده‌اند. هرآن زمین بلرزد، که ممکن است همین فردا هم باشد، بازهم هزاران نفر قربانی خواهند شد. باید دراین مناطق هم با استفاده ازتجربیات ودانش بشری خانه‌های ضد زلزله ساخت وبراین نیروی جهنمی طبیعت مهار زد.

بازهم تکرار می‌کنیم، ما نمی‌گوئیم که این امر همین امروز انجام شود، اما تاکید می‌کنیم که این امر باید در دستور روز مقامات مسئول قرار بگیرد. غیر ازاین اگر بشود، ما پیشاپیش درایران انقلابی هزاران زحمتکش را دودستی تقدیم طبیعت کرده‌ایم تا قربانی شوند.

اعلامیه سازمان ایالتی
حزب تودهٔ ایران درخوزستان

همه به‌یاری هموطنان سیلزده خوزستان بشتابیم

هموطنان عزیز خوزستانی!

در این روزهای شادی بخش نخستین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی، ضداستبدادی وخلقی مردم ما به رهبری امام خمینی متاسفانه هموطنان عزیزما درخوزستان دچار مصیبت سیل شده‌اند. سیل ناشی از بارندگی‌های چندروز اخیر دراکثر نقاط و مخصوصاً در روستاهای خوزستان تلفات جانی ومالی سنگینی برمردم ستمدیده این منطقه تحمیل کرده‌است. خانه‌های خشتی وگلی که میراث رژیم ضدمردمی شاه مخلوع است اکثراً ویران ویاغیرقابل سکونت شده‌اند وهرآن خطر ریزش بقیه آن‌ها می‌رود. مردم رنجدیده و زحمتکش مناطق سیلزده که زندگی فلاکتباری داشته‌اند، اکنون آخرین پناهگاه خود را ازدست می‌دهند وبه کمک فوری شما احتیاج حیاتی دارند.

سازمان ایالتی حزب توده ایران درخوزستان ازهمه گروه‌ها وسازمان‌های مترقی وضدامپریالیست ومخصوصاً از همه اعضاء و هواداران حزب می‌طلبد که با تمام نیرو بکمک سیلزدگان بشتابند واقدامات خودرا باستاد جهادسازندگی وبنیاد مستضعفین هماهنگ کنند.

سازمان ایالتی حزب تودهٔ ایران درخوزستان همچنین از دولت واستانداری خوزستان وارتش جمهوری اسلامی ایران وشرکت ملی نفت ایران جداً می‌خواهد که تمام امکانات خودرا برای نجات سیلزدگان وکمک به‌آنان به کارگیرند وعلاوه برکمک‌های فوری، برنامه‌های انقلابی برای پیشگیری ازخطراتی مانند حوادث سیل وزلزله، که بطورعمده توده‌های میلیونی زحمتکشان ما را دچار مصیبت‌های تلفات جانی ومالی چه درزمینه ایجاد مسیل‌های انحرافی وسیل‌بندهای لازم وکافی ولاروبی کارون وچه درزمینه ایجاد خانه‌های مقاوم ومناسب برای زحمتکشان روستا وشهر تدوین وبه‌مورد اجرا بگذارند.

سازمان ایالتی حزب تودهٔ ایران درخوزستان آماده است تادرانجام این وظیفه انقلابی باتمام نیروهمکاری کند، باشد که این حوادث غم‌انگیز دیگر تکرار نشود وکوچ‌نشینان خوزستان ازفلاکت مصیبت‌بار کنونی رهایی یابند.

سازمان ایالتی
حزب تودهٔ ایران درخوزستان
۲۳ بهمن ۵۸

ما هشدار خود را در مورد توطئه ضدانقلاب در تبریز تکرار میکنیم

در «مردم» شماره ۱۶۷، مورخ ۲۵ بهمن‌ماه، هشدار دادیم که ضدانقلاب درتبریز درتدارک توطئه تازه‌ای است. اخبار رسیده باردیگر این هشدار را تائید و تاکید میکند.

باصطلاح حزب جمهوری خلق مسلمان برای برهم‌زدن راه‌پیمایی روز ۲۹ بهمن‌ماه، که به مناسبت سالگرد روزتاریخی و خونین ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ انجام میگیرد، تدارک وسیعی دیده‌است علاوه بر این باصطلاح حزب جمهوری خلق مسلمان به عوامل خود - ازجمله دربرخی کمیته‌ها - دستورداده است که اعلامیه‌ها و پوسترهای حزب توده ایران و سایرنیروهای انقلابی را پاره کنند.

ما توجه خاص مقامات مسئول را به این تدارکات و اعمال ضدانقلابی جلب میکنیم وخواستار اقدام جدی وفوری برای عقیم گذاردن آن هستیم.

درباره «مردم» امروز

دیشب، قطع چندساعته برق در قسمتی از تهران و ازجمله در چاپخانه‌ای که «مردم» دزآن چاپ میشود، باعث شد که رفقای چاپخانه نتوانند آنطور که باید از عهده تنظیم صفحات روزنامه وعرضه کلیه مقالات تهیه شده برآیند و در نتیجه روزنامه امروز، در ۴ صفحه وبا تغییراتی درنحوه عرضه مطالب، همراه است. ازخوانندگان پوزش می‌طلبیم.

توجه!

رفقا وهواداران حزب که امکاناتی برای فعالیت انتخاباتی بسود نامزدهای حزب در تهران وشهرستانها دارند، لطفا همه‌روزه ازساعت ۹ تا ۱۸ در دبیرخانه حزب به ستاد انتخاباتی مراجعه کنند.

احسان طبری

تودهای

منطقی روشن چو خورشید درخشان بر زبانت
در کف ایثار: جانت
تو، رفیق راستین خلق
نامت: «تودهای»
آمدی از راه پیچاپیچ ...

***

از صبوری‌های دیر انجام
از دروغ، از سست‌پیمانی،
از گلوله،
از شکنجه، و آن مصیبت‌ها که می‌دانی
سینه آذین کرده از زخمان خون افشان.

***

پرتوی امید را از تنگنای غم رهاندن
در خموش کلبه‌های آرزومندی فشاندن
در طلب فرسوده
اما
در قبال داور وجدان خود آسوده بودن
کار دشواری است بگزیدی،
سزاوار ستودن!

***

لشگری پرکینه را برخود بشوراند
آنکه مردم را بسوی حق فراخواند
(کاهن افسون گر تاریخ این را نیک میداند!)

***

این تکامل، ای شما: صدها، هزاران،
آتش هندوستگوئی
خواستار جان سپاران ...
تا بسوزد جسمشان درکورهٔ اسرار خود
و اینك:
رقص این آتش نمودی هستی پربار خود

***

آه! آه! ای ایزد تاریخ، ای یار توان‌بخش عدالت!
تربار رزم را خفتان روئینش به‌تن کن!
یاور خلق وطن را
درخور خلق وطن کن!

بهمن ماه ۱۳۵۸

آتش زدن «مجاهد» شدیداً محکوم می کنیم

...انقلاب فعالیت گسترده‌ای را در سرتاسر ایران علیه ...انقلابی سازمان داده است وبا استفاده ازامکانات وسیعی، ...تابفروشی‌ها ودفتر سازمانهای مترقی را دنبال میکند.

...روز پیش مهاجمان ضدانقلابی، که مدتی است سازمان ...خلق ایران را هدف یورش‌های وحشیانه خودقرارداده‌اند ...که روزنامه مجاهد، ارگان سازمان مجاهدین خلق ایران ...شهرستان‌ها فرستاده میشد، حمله کردند و تمامی محموله ...به آتش کشیدند.

...اساس آخرین اخبار رسیده مهاجمان ناشناس ۶۰ هزار ...نامه مجاهد را دراین گاراژ آتش زدند ودرجریان آتش‌...نسخه‌های ارگان مجاهدین سوخت و ازمیان رفت.

...عمل وحشیانه، همانطور که بارها اعلام داشته‌ایم، ...توسط عمال ساواك وعناصر راست افراطی سازمان داده‌شده ...مبارزه را تغییر دهند ونیروی سازمان‌های انقلابی ومترقی ...مبارزه داخلی کنند وباین ترتیب امپریالیسم آمریکا را از ...خارج نمایند. متأسفانه مقامات مسئول با سکوت خود ...برای اینگونه اعمال باز گذاشته‌اند و ضدانقلاب با ...فرصت، عملیات وحشیانه خود را علیه انقلابیون راستین ...ملت.

...حزب توده ایران، باردیگر شدیداً این عمل واعمالی ازاین ...محکوم میکند وخواستار شناسائی، تعقیب ومجازات کسانی ...از سازمان مجاهدین خلق ایران را به آتش کشیده‌اند.

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» درنظر دارد ...تمام مبارزانی را که در دوران ...ننگین ومنفور خاندان پهلوی ...راه آرمانهای ملی ومردمی ...خود بشهادت رسیده‌اند جمع ...کند. ازهمه مهن‌دوستان ...خواهان تقاضا میشود که ...از این مبارزان شهید دارند ...دفتر «مردم» مراجعه کنند.

باسپاس - «مردم»

احسان طبری

افسانه طلاهای ایران (چاپ دوم)

ف.م. جوانشیر

در عراق چه میگذرد

گزارش پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

www.iran-archive.com

...رانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند

کارگران و کارمندان پارک هتل ۳ ماه است حقوق نگرفته‌اند

■ اعضای شورای پارک هتل: با اینکه به ما سه ماه است حقوق پرداخت نشده، درحالیکه به مبارزه خود ازطریق شورا ادامه می‌دهیم، برای اینکه بهانه بدست ضدانقلاب ندهیم، دست به تحصن وراهپیمائی نزده‌ایم.

■ کارکنان پارک هتل می‌پرسند: آیا بنیاد مستضعفین بانپرداختن حقوق حقه‌ما، ازمستضعفین حمایت می‌کند یانه؟

۲۱۳ کارگر و کارمند هتل (۱۷۰ کارگر و بقیه کارمند) که سالهاست درقدیمی‌ترین هتل تهران کارمی‌کنند، از۳ماه پیش که شورای خودرا تشکیل داده‌اند، بامخالفت جدی مدیران هتل روبروشده‌اند.

این هتل ۲۷۰ اتاقه که پیش‌از انقلاب متعلق به «ابوالحسن دیبا»، یکی‌ازسرمایه‌داران بزرگ وابسته به‌رژیم‌سابق بود، بعدازانقلاب‌زیر نظر بنیاد مستضعفین قرارگرفت.

کارکنان هتل‌باپیام حضرت آیت‌الله‌طالقانی مبنی برتشکیل شوراها، روز چهاردهم مهرماه، شورای خودرا زیرنظر بنیاد تشکیل دادند. بعد از تشکیل شورا بنیاد مستضعفین برای جبران کسرودجه، ۲۲۰هزارتومان دراختیارکارکنان هتل‌گذاشت وآقای معتمدیان را به‌مدیریت‌هتل منصوب کرد. به‌گفته کارکنان‌هتل‌مشکلات‌ازهنگام آغازکار اولین مدیرشروع شد. یکی از اعضای شورا به‌خبرنگارماگفت:

«بنیاد پولی راکه به‌ما داده بود، بلافاصله پس‌گرفت ومدیرهتل بعدازشروع کارخود سعی کردکه شورا را منحل نماید و حتی یکروز در موقعی که اعلامیه‌های شورا رابه پنجره‌ها نصب کرده بودیم، بامشت تمام شیشه‌ها را شکست، بطوری که‌نزدیك بود عده‌ای ازکارکنان‌مجروح شوند، وگفت:

«تاخون‌در بدن من هست، به‌هیچ عنوان نمی‌گذارم شوراکارخودش را بکند وباید منحل شود.»

وی حتی، سعی داشت‌که عده‌ای‌ازکارگران را اخراج کند که باکوشش شورا وپشتیبانی کارکنان، انجام این عمل ضدانقلابی عقیم‌ماند.

در گردهمایی شورا باکارگران و کارمندان به‌علت اینکه این شخص صلاحیت مدیریت را ندارد، از کار برکنارش کردیم، یکی‌ازکارگران‌هتل‌دنباله‌حرف‌رامی‌گیرد: «دراینجا باید یادآوری کنیم‌که،تمام اشخاصی که چه‌بصورت رسمی وچه غیرمستقیم درکار مدیریت هتل‌بودند وهستند ونظارت درکارهارا دارند، همه‌از طبقهٔ‌سرمایه‌دار هستندکه به‌طبع‌نمی‌توانند دردومشکلات کارگران وکارکنان هتل را درك کنند. مثلا بعد ازبرکناری معتمدیان، آقای جزایری ازطرف بنیادمستضعفین به‌مدیریت‌هتل منصوب‌گردید. اوخواست‌که دنبالهٔ برنامهٔ معتمدیان رامبنی‌بر منحل‌کردن شورا واخراج عده‌ای ازکارگران دنبال کندوحتی مهرشورا را که درزیرورقه‌ها خورده بود، خط‌میزد. با بررسی وتحقیق شورا درمورد سابقهٔ این فرد اطلاع یافتیم‌که سمت‌وی دررژیم گذشته ریاست دفتر محمودرضا پهلوی بوده‌وبعداز انقلاب‌هم مدیریت ۵۰هتل رابه عهده داشته است. باکوشش‌شوراو کارگران بعداز افشاگری درمورد این شخص، وی‌را بازداشت کردند واکنون درزندان اوین بسرمیبرد.»

بهانه به‌ضدانقلاب نمیدهیم

یکی دیگر ازکارکنان‌هتل بقیه‌مشکلات را چنین شرح‌میدهد:

«کارگران وکارمندان پارك‌هتل بااینکه حدود سه‌ماه است‌که حقوق‌دریافت نکرده‌اند، ولی باتمام‌نیرو بکارخود ادامه می‌دهند و نمی‌گذارندکه کوچکترین کارشکنی در این امربه سود ضدانقلاب تمام شود وگواه این حرف هم رضایت‌نامه‌هایی است که‌مسافرین بعداز خروج به‌دفتر هتل ارائه میدهند واین‌نشانگر کمال رضایت مسافرین ازسرویس و طرزکار کارکنان است.»

یکی‌از اعضای شورا می‌افزاید:

«گاهی اوقات‌که کارگران‌ازمشکلات‌زندگی ونداشتن حقوق جانشان به‌لب میرسد وقصد اعتصاب یاراه‌پیمائی‌را می‌کنند، باکوشش‌شورا مانع‌این کار می‌شویم،چون‌دراین‌زمان‌کوچکترین بهانه‌بدست‌ضدانقلاب‌میتواندمضرات‌زیادی‌برای انقلاب‌کشورمان بوجود بیاورد. تنها عملی که ماکارکنان‌این هتل‌برای‌مطالبهٔ حقوق‌خودانجام دادیم، یك تحصن بی‌سروصدا وآرامی بود که البته این امر باآمدن ۳۵ نفرپاسدار مسلح‌در روز ۲۴ بهمن‌ماه ۵۸ ازکمیته منطقه۹ شکسته شد. این افراد مسلح درحالی‌که حکم‌بازداشت ۵ نفر از اعضاء فعال رابه انضمام یك‌گروه از کارگران و کارمندان هتل به‌همراه‌داشتند، ما راتهدیدبه‌فرستادن‌زندان کردند. ولی‌باپشتیبانی کارگران هتل نتوانستند هیچ اقدامی انجام دهند وناچار محل رابدون هیچ نتیجه‌ای ترك کردند ولی در موقع رفتن گفتند که از راه دیگری وارد خواهیم شد.

خبرنگار «مردم» پرسید، دلیل‌این همه مخالفت باشورا چیست؟

یکی ازاعضاء شورا جواب‌داد: «بعد از انقلاب بالغ بر۴۵ میلیون تومان اموال این هتل رابردند، به‌این بهانه‌که برای بنیاد مستضعفین وبه‌نفع مستضعفین مصادره میشود. ولی وقتی‌که اعضاء شورا برای‌گرفتن رسیدبه بنیاد مراجعه‌میکنند، باجوابهای سربالا روبرو میشوند. چون این اموال جزئی‌ازبیت‌المال ملت محسوب میشود، ما دربی آن هستیم که بفهمیم این اموال به‌کجا وبه‌نفع کی مصادره شده است. عده‌ای‌که نمی‌خواهند این موضوع روشن شود، مانع کار شورا میشوند و سعی بر انحلال آن را دارند.»

یکی از مسئولین شورا درموردا‌ینکه تا بحال شورا چه‌کارهایی‌برای‌کارگران وکارمندان هتل انجام داده توضیح داد:

۱ـ جلوگیری ازادامه‌غارت‌اموال هتل‌که بدست بعضی از مدیران هتل صورت میگرفت.

۲ ـ کارهای فرهنگی برای کارگران و کارکنان هتل،

۳ ـ تشکیل کلاس وگردهمایی برای بالا بردن آگاهی سیاسی وایدئولوژیك و فرهنگی کارگران،

۴ـ سرکارآوردن دونفر ازکارگرانی‌که از طرف مدیران سابق ازکاربرکنارشده بودند،

۵ـ سعی برجلب توریست، تا خدمات هتلداری ازبین نرود.

وچون بیشتراین‌کارها به‌سود مستضعفین و به ضرر مستکبرین تمام میشود، به همین دلیل عده‌ای دارندشوراها را منحل‌می‌کنند.

اعضا شورا خواستهای کارگران وکارکنان پارك‌هتل رابه شرح زیردراختیارخبرنگارما گذاشتند:

۱ـ ماخواهان این هستیم که‌بنیادمستضعفین مدیرانی برای این‌کار بفرستدکه حسن‌نیت، صلاحیت درانجام وظایف خود راداشته‌باشند.

۲ـ ما ازمراجع مملکت‌درخواست میکنیم که اگربنیاد مستضعفین نمی‌تواند دراین مورد کارخودش را انجام دهد، مارا به وزارت ارشاد ملی، که قبلاکارش جلب توریست بود بسپارند.

۳ـ درحالی‌که ازطرف دادستانی بعضی احکام صادرشده مبنی‌براینکه، هیچ حکم بازداشتی غیراز مهردادستانی نمی‌تواند مجوزبازداشت کسی‌راداشته باشد، ماخواستاریم‌تااین‌بحث درمورد حکمهایی‌که از طرف کمیته برای عده افراد صادرمیشود نیزمورد اجرا رافع‌گردد تابی‌جهت، بدون اجازهٔ دادستانی حکمی‌برای بازداشت افرادی صادرنکنند.

۴ـ ما ازدفترامام وریاست جمهوری همچنین شورای انقلاب میخواهیم که به وضع کارگران وکارکنان این هتل رسیدگی کنند. کارکنان این هتل بتوانند ازمطالبهٔ حق‌قانونی خود، که داشتن شورا وداشتن حقوق ماهانه‌ای برخوردار شوند. اعضاء شورای پارك در ضمن طرح این سئوال، از بنیاد مستضعفین که

«آیا بنیاد مستضعفین با نپرداختن حقوقهای کارگران وکارمندان این‌هتل،ازمستضعفین حمایت می‌کند یا نه؟» خواهان رسیدگی هرچه زودتر ازطرف مسئولین این‌بنیاد شدند.

مردم ـ کارکنان پارك‌هتل با انقلابی‌ترین شیوه، درحالیکه ۳ماه‌است حقوق نگرفته‌اند به‌کار ادامه می‌دهند تاضدانقلاب بهره‌برداری نکند ووحدت مبارزه با امپریالیسم حفظ شود. این‌کارکنان که «مستضعفان» جامعه ما هستند، حفظ این‌شیوه ازطریق «شورای منتخب» را به‌مبارزه برای احقاق حقوق ادامه میدهند. این‌حق چیزی نیست غیراز حقوق مسلم گروهی از زحمتکشان میهن‌ما.

ماضمن حمایت ازاین‌زحمتکشان وشیوه مبارزه آنها، ازمسئولان امر میخواهیم که هرچه زودتر حقوق معوقهٔ این‌کارکنان پرداخت کنندو به‌خواستهای آنها رسیدگی نمایند. برآوردن‌خواستهای بحق‌این‌زحمتکشان پیوند آنهارا باانقلاب تحکیم‌می‌کند.

از انتشارات حزب توده ایران

منتشر شد

ویژه نامه دنیا

بمناسبت نخستین سالگرد انقلاب بزرگ مردم ایران

در ۲۶۰ صفحه

تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی
(در دوجلد)
(متن جدید)
(ترجمه جدید)
دوره کامل
(در ۲ جلد)

پرسش و پاسخ
بخش دوم وسوم
□ مشی سیاسی حزب توده ایران
□ حزب توده ایران چگونه میگرد؟
ن ـ کیانوری

سی وهشت سال مبارزه پی‌گیردر راه استقلال ملی، آزادی وحقوق زحمتکشان
نورالدین کیانوری

بنیاد آموزش انقلابی
(درسنامه)
احسان طبری

افسانه طلاهای ایران (چاپ دوم)
ف.م. جوانشیر

در عراق چه میگذرد؟
گزارش پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

تحلیلی از سرمایه گذاریهای آمریکا در کشورهای جهان سوم

☼ سرمایه‌گذاریهای آمریکا در کشورهای جهان سوم باعث وابستگی اقتصادی و سیاسی این کشورها به‌آمریکا خواهد شد.

☼ مکانیسم امپریالیسم هنوز برای بسیاری از افرادیکه باآن مقابله می‌کنند، ناآشناست.

☼ سرمایه‌گذاریهای آمریکا در کشورهای جهان‌سوم بیشتر در زمینه‌های غیرتولیدی است.

☼ سرمایه‌گذاریهای آمریکا در کشورهای فقیر هیچ‌نقش‌مثبتی را دررشد وشکوفایی‌این کشورها ندارد.

☼ سرمایه‌گذاریهای آمریکا درکشورهای درحال توسعه باعث تحکیم‌سلطه امپریالیسم براقتصاد آنهاست.

(جمهوری اسلامی، ۲۴ بهمن)

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی:

آیاشورای انقلاب راه حمله به دانشجویان را بازگذارده؟

☼ دولت موقت که میخواست انقلاب را به‌حذف دیکتاتوری تنزل دهد، بااشغال لانه جاسوسی وحمایت بیدریغ امام‌وامت‌سقوط کرد ومردم درامان ماندند.

☼ اغلب افرادنهضت‌آزادی وجبهه‌ملی وخلق‌مسلمان از طرفداران بختیار وشیوهٔ عملکرد اوهستند.

☼ لیبرالیسم‌داخلی‌وارتجاع، به دانشجویان، «بچه، مفرض و خودکامه» خطاب کرده‌و«ازجناح‌های مختلف باگستاخی‌تمام تهمت «جمل‌کردن» به‌آنهامی‌زنند.

☼ شورای انقلاب نه تنها چندموردپیشنهاددانشجویان‌مسلمان پیروخط امام‌را نادیده گرفت، بلکه اکنون راه‌را برای حمله به این‌حرکت انقلابی‌بازگذارده.

(آزادگان، ۲۴بهمن)

مصر و اسرائیل فیلم مشترك می‌سازند! (کیهان، ۱۸ بهمن)

آیت‌الله خلخالی:

ملت ایران حاضر نیست پول ماهانه به‌کسانی بدهدکه علیه او درخارج و درداخل توطئه می‌کنند

طول زمان مدخلیت دراخراج تیمساران ندارد. ماخلاصه پرونده همه‌آنها را دیده‌ایم وچون ملاك قضاوت صحیح، برداشت وعلم قاضی است‌که برای او حاصل میشود، پرونده این افرادحاکی از تبهکاری است‌که اکثراً از ایران فراری میباشند وبه‌چه مناسبت وباچه دستوری از ایران رفته‌اند و درخارج به‌چه‌کاری مشغول‌اندکه حقوق‌آن‌ها باید تبدیل‌به‌دلارشده وازکشور برای‌آنها فرستاده شود؟

این همه نیه روزی وفقرجامعه‌ما واین ملت عقب افتاده ازدست همین‌تیمساران وامرای‌خودکامه بودکه نیروی‌هوایی را بهشت موعود برای خود فرض میکردندکه پرونده آنها به‌همین زودی‌ها به‌وسیله جراید دراختیار ملت ایران‌گذاشته خواهد شد،که‌کمترین جرم‌آن‌ها زنای محصنه و اختلاس وحیف ومیل وچیزهایی ازاین قبیل است. وازنظرملت ایران این‌گونه افراد مطرود هستند و حتی صلاحیت بازنشستگی راهم ندارند.

ملت ایران حاضرنیست پول ماهانه به‌کسانی بدهدکه علیه او درخارج وداخل توطئه میکنند.

اخراج امرای خائن نیروی هوایی درکمال دقت وبصیرت صورت‌گرفته وهرگونه دفاع‌ازآنها مسلم است‌که تصفیه دراوتش را راکدگذاشته واطمینان مردم را نسبت به‌تصفیه دراوتش سلب مینماید.

(اطلاعات، ۲۴ بهمن)

دکتر پیمان:

چرا دولت اسامی ساواکی ها رامنتشر نمی کند؟

«اسولا اسنادی‌که درارتباط با سیاست آمریکا در رژیم گذشته‌است باید بدون هیچ تأخیری افشا شود، چون این آگاه کردنها به مردم‌کمك میکندکه جریانات استعماری را بشناسند.در طول این یکسال دیدیم‌که جریانات لیبرالیستی‌چگونه توانستند با استفاده ازبی‌اطلاعی مردم به صورت انقلابی وبظاهر درخط امام مواضع قدرت را دردست بگیرند. من معتقدم‌که دولت باید لیست ساواکی‌ها وتمام‌کسانی‌راکه با روحیه سازش‌کاری خود به انقلاب ضررزده‌اند منتشرکند وهمچنین ازافشاگری دانشجویان‌جلوگیری بعمل نیاورد تاتمام ملت‌آگاه شوند. اما تشخیص‌جرم ومجازات‌آن باید بعهده مقامات مسئول وصلاحیتدار باشد.»

دکتر پیمان افزود:

«اگرمقامات‌خودشان اسنادرا منتشرمیکردند، دیگرعده‌ای پیدا نمی‌شدندکه با انتشارلیستهای مشکوك سوءاستفاده نمایند.»

(کیهان، ۲۵بهمن)

خط امام نفی هرگونه سازش است

■ دشمن هیچگاه خیرخواه ما نیست از تماسها ومذاکرات هر قدر هم زیرکی نشان دهد سر ما وملت ما راکلاه خواهندگذاشت

در مطبوعات کشور

● **خط‌سازش‌خیانتکارانه**

نوع اول، سازش‌خیانتکارانه آگاهانه است به این معنی که گروهها، یا اشخاص یا باندهای سیاسی‌که میخواهند درایران به حکومت‌وقدرت‌برسند باقدرتهای بیگانه‌که عملا حاکم برسرنوشت کشورهستند مانندآمریکا مذاکره میکنند ومثلا میگویند شاه نوکر بدرد بخوری نیست ووقتش‌گذشته واو دیگرنمیتواند دراین‌کشور ماندنی باشد، زمینه برای دوام حکومت‌اومساعد نیست. هرزوری بزنید مردم او را کنار خواهند زد.

ما حاضریم که حکومت را دردست بگیریم و شما هم مطمئن باشید که منافع شما هم نادیده گرفته نخواهد شد. یعنی باهمان قدرتی‌که سلطنت قبلی‌را سرکار آوردندوبندی میکندکه خود را بجای آن قدرت قبلی سرکار بیاورند وبسیار ازتغییراتی‌که در کشورها رویداده ازاین‌قبیل‌است این‌سازش خائنانه آگاهانه‌است. مادرخارج کشورمان ازاین‌خائنان شخص‌یاگروه‌کم نداشتیم. این‌یك نوع سازش.

● **خط سازش بدون قصد خیانت**

نوع دوم، فرد یاگروه و یا سازمان سیاسی واقعاً صمیمانه و علاقمند است‌که به‌کشور خودش خدمت کند هیچ‌قصد خیانت‌ندارد حتی‌عاشق وشیفته خدمت به ملت و کشور است، ولی مطالعات و محاسبات او و برنامه‌ریزیهایش برای تلاش درراه خدمت به ملت به این‌نتیجه رسیده‌که دریك‌جبهه نمیشود هم با بیگانه مبارزه‌کرد هم با عامل داخلی، درخودش یا احیاناً درملتش پتانسیل و قدرت مبارزه یکجا باآمریکا وشاه را نمی‌بیند و برای خودش یك استراتژی و خط‌مشی انتخاب میکند،که باآمریکامذاکره‌میکنیم وقانعش میکنیم که باید رژیمش برود و آنها میکنیم‌که باید یك دولت ملت سرکار بیایند و شما مصلحتتان در منطقه اینست برروی کارآمدن چنین دولتی کنید ویامزاحمت نکنید،یا یاگروه مبارز برای‌آنکه مبارزهٔ خودشان‌راباقدرت مسلط برکشوربه ثمر برسانند خودشان را نیازمند می‌بینند ازبیگانه‌کمك بخواهند و خواستن این‌کمك با ایشان مذاکره وگفتگومی‌نشینند سازش‌به قصد خیانت و سوءنیت نیست، ولی خطرناك است. قابل‌تأمل از این تجربه تاریخی‌نشان داده‌است هیچگاه خیرخواه ما نیست این‌مذاکرات وتماسها هرقدر ما زیرکی نشان بدهیم، اگرکار شد ما خواهان مذاکره باشیم، آنها با دستگاه مطالعاتی‌وسیاسی‌که دارند یعنی‌سرملت ما کلاه خواهند گذاشت، بطوریکه ممکن است تاریخ آینده همین عمل حسن نمای ما را محکوم‌کند که آیا با حسن‌نیت ناآگاهانه عمل کردی. ولی‌آنچه مسلم است این‌نوعی سازش است و نمی‌توان به‌گفتگویی نشستند برای کسی که درآن گفتگو ازخودش برای پیروزی کمك بخواهد با کمال حسن‌نیت و اسم این را بگذاریم خط‌سازش.

(جمهوری‌اسلامی، ۲۴بهمن)

سالگرد درگذشت رضا روستا

بمناسبت گرامیداشت‌سالگرد وفات رضا روستا، از مبارزان سرشناس جنبش‌کارگری ایران، ازساعت ۳ تا ۵ بعدازظهر روز سه شنبه ۳۰ بهمن‌ماه ۱۳۵۸ در کوی‌گیشا، خیابان صلح، خیابان ۱۹ پلاك ۲۷، مراسمی برگزار میشود.

خانواده روستا و بستگان

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

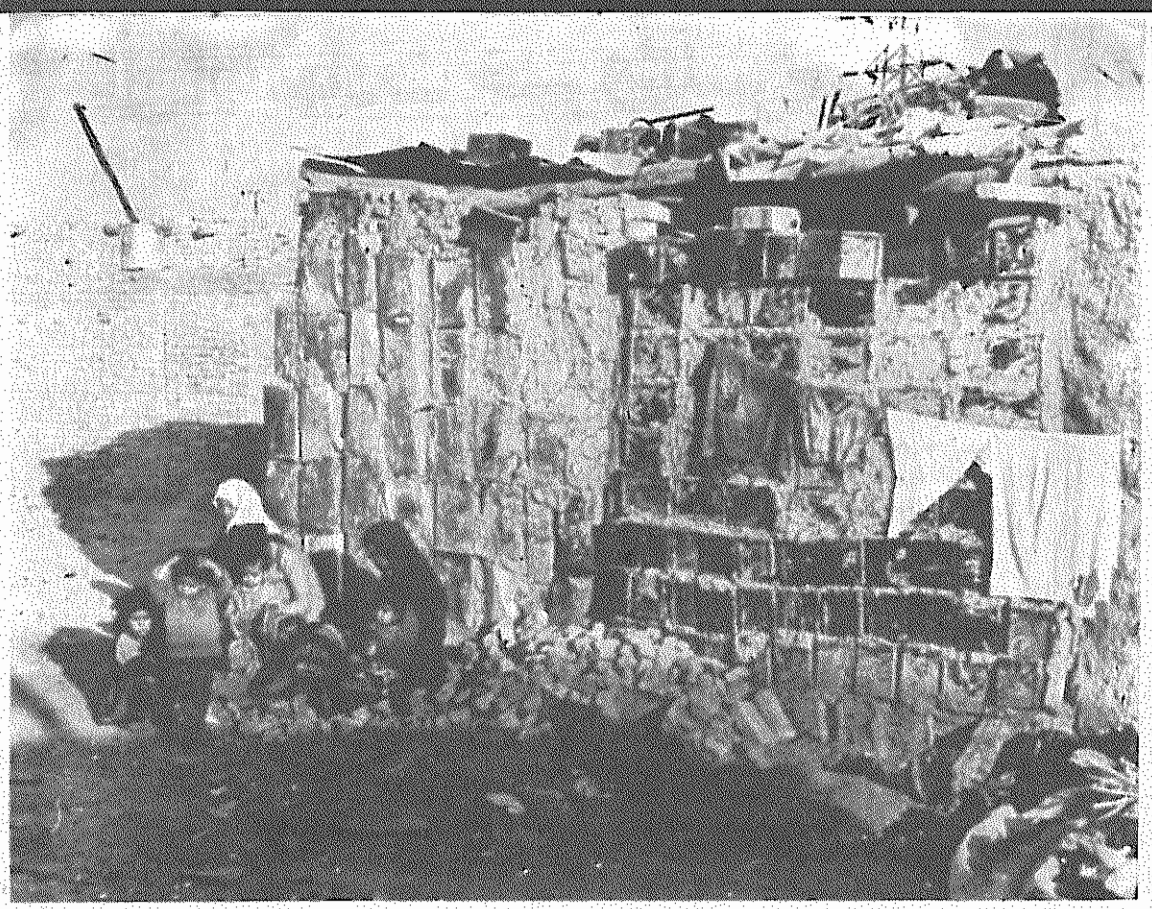

دیداری از ۲ کود پرجمعیت تهران

کوخ‌نشینان

برای پیروزی قطعی انقلاب ایران لحظه شماری میکنند

نابودی کشاورزی ایران بنفع غارتگران امپریالیست، ساکنین این دوکود را کوخ‌نشین کرده‌است

شهرآنچنان دورنیست که نتوان آنرا دید. لحظه‌که بخار کارخانه برق خزانه امان دهد، جوان حداقل روشنائی خانه‌های شهررا دید. خانه به‌فیلی میماندکه پیاپی از خرطومش بخار میشود.

دکلهای بزرگ برق ولاشه‌های باقی مانده‌از کارخانه‌های قدیمی، حقارت محله وباصطلاح خانه‌های آنرا چشمگیرتر میکند.

کوخ‌نشینان، که امام‌خمینی درسخنرانی‌های‌خود ازآنهابی‌وقفه یاد می‌کند وآنها را پشتیبان‌انقلاب ایران میداند، همینهاهستند. همینهائی‌که درخانه‌های ساخته شده از حلبی ونایلون و مقوا شب‌را به‌امید پیروزی قطعی انقلاب صبح میکنند و صبر انقلابی پیش گرفته‌اند. پاسخ این‌صبرانقلابی، اقدام انقلابی برای بهبود زندگی آنان است.

کودکوخ حاج نایب و کودکواه‌تهران‌است. براستی زندگی کوتاه وگفت وشنودی از آن باساکنین کود، رنج سالها رنج وغارت و ستم توان باپوست وگوشت و خود احساس کرد. حدود هزار دراین دوکود روز زندگی محرومیت و فقر و ترس میرسانند وصبح را بکار و دست یافتن به آنچه بخاطرآن انقلاب کرده به‌زندگی سراسر چنگ‌زدند.

انقلابی را ازآنها باید اما این صبرجاودانه بی‌سر وانتظار، تلاش برای انقلابی‌راازسوی کارگزاران اجرائی کشورطلب میکند.

دراروپا نصد تادوهزارنفر زندگی میکنند همسایه‌هائی که نفرهایکدیگرش‌یکند، آنها تنهالشکری ازسپاه عظیم کوخ‌نشینان ایرانند که امام‌خمینی حتی در بستر بیماری نیزبیادآنهاست وکلامش را با نام آنها آغازمیکندوهمانها که‌بقول امام، دراین انقلاب سهم عمده را داشتند.

کوخهائی که درآنهازندگی میکنند، همانطورکه گفتیم، چندان ازشهر دورنیست، اگرچه ازشهرنشینی ومواهب‌آن فرسنگها فاصله دارد.

در خیابان فدائیان اسلام (رزم‌آرای سابق) بطرف پل‌سیمان قبل‌ازپمپ‌بنزین، جاده‌ای‌خاکی‌و طولانی، دوکود حقیقت‌خواه و حاج‌نایب را ازشهرجدا میکند.

امتداد دکلهای عظیم‌برق به این دوکود وکوخهای‌آن ختم میشود، که حدود دوهزارنفر در آنها بامید زندگی بهترشب را صبح وصبح را به‌شب میرسانند.

درطول مسیر راه تعدادی کارگاه آلومینیوم سازی‌ولوستر سازی ونخ‌تابی وجود دارد، که فاصله لاشه‌های باقی مانده از کوره‌پزخانه‌های قدیمی‌راپرکرده است. هرتازه واردی درهمان نخستین قدمهائی که درمحوطه این دوکود مجاور برمیدارد، چشمش به‌حوض‌آبی می‌افتدکه تعدادی زن پیروجوان برسرآن‌لباس و ظرف می‌شویند. آب این حوض که ازیک‌چاه‌تامین‌میشود، قابل‌خوردن نیست.

در نیمه روز اگروارداین‌دو کودشوی، بندرت مردی‌رامیتوانی بیابی، مگرآنکه بیمارباشدوخانه‌نشین. اکثرآنها کارگرند وصبح قبل‌ازطلوع خورشید، کودرا پشت سرگذاشته‌اند تاخودرا به‌کارخانه وکارگاه‌برسانند، واگربیکارباشند راهی شهرشده‌اندتاهم برای‌یافتن کارجستجوکرده‌باشند وهم‌بهرطریق که ممکن است نان شب زن و بچه‌شان‌را فراهم کنند. دستفروشی ودوره‌گردی شغل‌دوم آنهاست. این شغل‌را هروقت بیکار شوند، پیشه میکنند وبمحض یافتن کار ثابت، چرخ وکاری واحیاناً الاغ‌را رها میکنند وراهی کارخانه میشوند.

رفتگری، کاردرکوره‌پزخانه‌ها ودرکارخانه‌ها وکارگاههای‌بلورسازی، دستمال حریر، پیراهن‌بافی وجوشکاری درساختمانها و یاآهنگریهاوبالاخره‌بنائی‌درفصل ساختمان، که‌حالا تقریباً دوسالی است ازرونق افتاده، حرفه‌مردان کوداست.

دره‌عمیق بین کوخ‌نشینان و کاخ‌نشینان

باهمیاری ازخانوارهاصحبت کردیم. پیای درددلشان نشستیم، گرچه حالا دیگرکمترکسی است که‌نداند رژیم‌سرنگون شده‌پهلوی چگونه جمع‌اندکی را کاخ‌نشین‌و انبوهی ازمردم ایران را کوخ‌نشین کرده است واین فاصله، که به‌دره‌ای‌عمیق مهماند، باین‌زودیها پرشدنی نیست.

مزدروزانه اکثر کارگران بین ۶۰ تا ۵۰ تومان است. البته آندسته ازمردان کودکه در شهرداری کار میکنند وباصطلاح‌دولتی ورسمی‌هستند، مقداری هم بابت حق‌مسکن وحق‌اولاد میگیرند، که چندان هم‌چشمگیر نیست، اماهمین توجه اندك وبرتری ناچیزدرمیان خانواده‌های ساکن‌کود کاملا محسوس است.

ساکنین این‌دوکودنیزمانند کودنشینان‌دیگرایران، روستاییان هستند که بتدریج با نابودی کشاورزی ایران‌به‌نفع شرکتهای امریکائی و اروپای غربی توسط رژیم شاه مخلوع ازده وروستای خود آواره‌شده وبامید یافتن کار راهی شهرها شده‌اند. نخستین سرپناهها ازدهسال پیش برپاشده است وحالا دهها آلونك ساخته شده ازچوب، پشکه، حلبی، قوطی روغن‌نباتی، چرخ اتومبیل‌ونایلون درکنار یکدیگر قرار گرفته‌اند وحدود دوهزار آواره روستاهای ایران را دراین‌گوشه ازتهران درل خود جای داده‌اند.

فقط کافی‌است ۷ الی ۸ متر زمین‌را بکنید تابه‌آب برسید، اماتصورنکنید آبی که‌به‌آن‌میرسید خوردنی است. این‌آب بوی‌تعفن میدهد ودرحقیقت آبی که به‌آن میتوان‌رسید، فاضلاب‌شهراست که درسطح ۷ الی ۸متری‌زمین‌رسوب کرده‌است. نخستین باران‌پائیزی وبعد ازآن برف‌زمستانی، حداقل برای ۴ تا ۵ ماه زمین‌راآنچنان درگل فرومیبرد، که اغلب اگر ناآشناباشی وتازه وارد، کفشت‌در گل میماند و پای برهنه باید طی مسیرکنی. به این گل و لای وخانه های ساخته شده از حلبی ونایلون وچوب‌و... سرمای زمستان ونداشتن توان‌مالی‌برای خرید نفت‌را، بحدی که‌باصطلاح خانه‌راگرم‌کند ـ اضافه‌کنید تا بدانید ساکنین این‌دوکود زمستانها را چگونه پشت سر میگذارند وبرای‌خلاصی ازسرما، تابستان پرگرد وغبار وگرم را آرزو میکنند. تابستانی‌که بقول بیشترآنهاکه با ماصحبت کردند، با هجوم مداوم کمیرسیها و کامیونهای سنگین ، که ازکوره‌های آجرپزی و کارگاهها وکارخانه‌های اطراف‌کود پائین میگردند، چنان غبار را به‌فضای آلوده از دودکوره‌ها وکارخانه‌ها اضافه‌میکنند، که‌گاهی‌ساکنین‌کود را به نفس تنگی می‌اندازد.

مشکل آب‌آشامیدنی در اینجا هم وجود دارد

مشکل تأمین آب‌آشامیدنی دراین‌کود هم مانندکودهای‌دیگر وجود دارد. ساکنین‌کود برای برای تأمین‌آب‌آشامیدنی‌خود باید مسافتی‌طولانی‌را طی کنند. البته همینجا یادآور شویم‌که درکود حقیقت‌خواه، یعنی همسایه کود حاج‌نایب، آب لوله‌کشی با تلاش و پیگیری بی‌امان خود مردم تا حدودی راه یافته‌است، اما‌این‌مشکل‌برای‌کودحاج‌نایب‌و بالاخره تمام ساکنین این دوکود حل‌نشده‌است.

در این دوکود از نانوائی، خواربار فروشی، شعبه نفت و... خبری‌نیست. تنهایك‌بقالی‌کوچك بعضی مایحتاج مردم را تأمین میکندوبرای‌خرید دیگرمایحتاج مردم مجبورند خود را پس‌ازطی مسیری طولانی‌به خیابان‌فدائیان اسلام وعلی‌آباد برسانند.

حمام وجود ندارد و در تابستان بچه‌ها درهمان حوضی که درابتدای کود وجود دارد، خود را میشویند. مجموع همین کمبودها وزندگی درسرپناههائی که تشریح کردیم، باعث شده‌است تا بیشتر ساکنین کود بانواع بیماریها گرفتار باشند و کوچکترین توجهی‌هم به آن نداشته باشند، مگرآنها راتا آستانه مرگ ببرد، زیرا بقول خودشان پول دوا و درمان را ندارند. رماتیسم «بدلیل مرطوب بودن زمین» وبیماریهای کبدی و روده‌ای رایج‌ترین بیماری در این دوکود است.

تصورنمیکنیم‌یادآوری‌آنچه که ساکنین‌کود ازگرانی‌مایحتاج برایمان‌گفتند، لازم باشد زیرا کمتر ایرانی است که‌گرفتار آن نباشد، منتهی دراین‌دوکودمانند کودها و محله‌های مهاجرنشین دیگربمراتب‌بیشتراحساس‌میشود.

تعدادی ازکودکان‌وجوانان ساکن‌کود به مدرسه میروند، اینکه میگوئیم تعدادی، باین دلیل است‌که بقیه یاکارمیکنندتا کمك‌خرج خانه باشند ویابدلیل عدم توانائی مالی خانواده به مدرسه نمیروند. آنها که درس میخوانند، هنوزهواگرگ رمیش است، که راهی مدرسه میشوند. آخردرکود هیچ مدرسه‌ای وجود ندارد وآنها مجبورند پس ازطی مسافتی نسبتاً طولانی، خود را به فلکه چهارم خزانه و علی‌آباد برسانند.

بچه‌ها تابستان ... کودنشینان است

از کمکهای رفقاودوستان سپاسگزاریم

ن.ج (مربوط به دیماه) ۱۰۰۰۰ ریال
ن.ج ۳۰۰۰ ریال
خادم ازجهرم ۲۰۰۰۰ ریال
مصطفی‌نژادازجهرم ۲۰۰۰۰ ریال
کمالی ازجهرم ۱۰۰۰۰ ریال
م. ازساوه ۳۰۰ ریال
جواد. غ ۲۰۰۰۰ ریال
کاوه برای حزب پدرش ۳۰۰۰ ریال
الف.م ۵۰ تومان
سازمان حزب توده ایران
دربلژیك ۱۲۵۰ «

توجه! ازهمه دوستانی‌که بهریك‌ازحساب های بانکی حزب‌تودهٔ ایران وجهی‌واریزمیکنند، خواهشمندیم فتوکپی آنرا برای‌ما ارسال‌دارند.

بمناسبت جشن سالروز انقلاب
نمایشگاه:
□ اسناد، عکس، پوستر، طرح و نقاشی...
□ همراه‌بانمایش‌اسلاید، فیلم و...
۲۱ بهمن الی ۲ اسفند
همه روزه از ساعت ۱۰ صبح الی ۶ بعدازظهر
محل برگزاری، نمایشگاه‌بزرگ دانشکده‌هنرهای زیبا دانشگاه‌تهران
سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات‌ایران

۶ سال از شهادت خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان گذشت

شش سال پیش، درسپیده‌دم چنین روزی، رژیم منفورآریامهری دست به جنایتی دیگرزد ودوتن ازبهترین فرزندان خلق ایران را برچوبه دار بست. دوهمرزم که همواره نامشان باهم گره در قلب توده‌ها خورده است: **خسرو گلسرخی و کرامت‌الله دانشیان**.

گلسرخی شاعری انقلابی وخلقی بود. اوازذوق وهنری سرشار متناسب باروحیه انقلابی‌اش برخوردار بود. شعرش همچون پتکی بود برپشت خفتگان وگلوله‌ای که برسینهٔ دژخیمان زمان خود مینشست. اوبرای شعرش ازکارگران، تهی‌دستان شهر وده واز مردم زحمتکش کوچه وبازار الهام میگرفت. اودر جواب آن عده ازشاعرانی‌که شعر رااز محدودهٔ زندگی جامعه خارج کرده ودر برج‌عاج هنرخالص زندانی می‌کردند، می‌گفت:

«لطفاً آیه‌های روشنفکرانه رامثل کاه وعلف جلوی ما نریزید. چرا شعر نباید شعار باشد؟ درجائی‌که زندگی کمترین شباهتی بخود ندارد، این کفراست‌که بدنبال شعر ناب وجوهر سیال شعری سینه چاك بدهیم».

شعر اواز وجودش میجوشید واو درشعرش ذوب میشد. او حماسهٔ زندگی خودرا درشعرش می‌سرود:

شب که می‌آید وبیکوبد پشت دررا
به خود میگویم :
من همین فردا کاری خواهم کرد
کاری کارستان ...

گلسرخی درابتدا یك روشنفکر دمکرات بود، که خلاقیت مارکسیسم ـ لنینیسم رادرمبارزه مسلحانه میدانست وبشدت مفتون کارهای چریکی بود. اما درحقیقت اوشناخت کاملی ازمارکسیسم ـ لنینیسم نداشت وآنچه راکه به‌او عرضه شده بود، تنهااندیشه‌های مسخ شده ودست‌وپا شکسته‌ای ازاین ایدئولوژی بود.

درهمین سالها بودکه اوبه‌یك محفل روشنفکری باصطلاح «مارکسیستی» راه یافت، ولی دیری نمی‌پاید که به ماهیت این مدعیان میان تهی ویا بقول خودش این «ویت‌کنگهای کافه نشین» پی‌برد. اودربارهٔ آنها چنین میگفت:

وقتی پای شعار وادعا درمیان است، ازلنین‌هم بلشویك‌ترند، اما اگر به‌آنها بگوئی، خوب رفیق، دیگر وقتش رسیده، این گوی واین میدان، زبان ببند وبازو بگشا، ناگهان ازقلهٔ ادعاهای خود پائین می‌افتند، هزارویك دوزوکلك لفظی جور می‌کنند، تا جازدن خودشان راتوجیه کنند».

درزمینه سیاسی نیز داوریهایش ازهمان آغاز یك جنبه نیرومند واقع‌بینی عاری ازتعصب وپیشداوری داشت که از صداقت اودر منطق انقلابیش ناشی میشد. اودرهمان زمان درجواب کسانی که سعی می‌کردند حزب توده ایران رابخاطر این یاآن اشتباهش بی‌اعتبار کنند، میگفت:

«یك روزبه برای تمام ندانم‌کاریها واشتباهات یك حزب کافی است.»

اواشتیاق آتشین به بحث برای هرچه بیشتر روشن شدن جهت حرکت جامعه وانقلاب اجتماعی ایران داشت. طرف بحث او گروههای مختلف بودند. درجریان این بحثها بودکه متوجه شد عشق به جانبازی انقلابی درلباس پارتیزانی وانقلاب مسلحانه، در نامساعدترین لحظات تاریخ دوران ما، اورابه ورطه یکنوع‌ایده‌آلیسم انقلابی، که ازواقعیت زندگی بدوراست، می‌کشاند، این تردید اورا به جستجوی بیشتر وامیداشت. دراین تحول فکری، دوستان توده‌ای‌اش ژرفترین تاثیررا دراو می‌بخشیدند. اوبتدریج درمی‌یافت که راه انقلاب وآمادگی برای انقلاب، راه چریکی نیست. هرقدر این واقعیت برای او روشن‌تر میشد، به‌دوستان توده‌ای‌اش وبه ایدئولوژی آنها نزدیك‌تر میگردید. دراین مرحله بودکه وی به‌اتفاق همرزمش **کرامت‌اله دانشیان**، بدام مامورین سازمان‌امنیت افتاد، واین هنگامی بودکه نزدیك به یکسال میشد که اواز آن محفل کوچك روشنفکری بریده بود.

پس ازشکنجه‌های غیرانسانی، دودلاور خلقی، که بامشتهای گره‌کرده به جلادان کمیته، نه‌گفته بودند، همراه باچند ژیگولوی سیاسی، که سوگند خورده بودند با مهوع‌ترین واژه‌ها مدح رژیم خون وشکنجه رابگویند، به بیدادگاه نظامی آورده شدند. رژیم میخواست ازاین خیمه شب بازی نهایت بهره‌برداری رابسود خویش بکند. درابتداهم چنین شد. «ویت‌کنگ‌های کافه نشین» بابیشرمی کم‌نظیری به مداحی رژیم پرداختند. ظاهرا همه‌چیزبسود رژیم بود. جریان باصطلاح محاکمه ازتلویزیون پخش میشد و «تئوری‌سین»های ساواك، که از لذت دست بهم میسائیدند، اززبونی وسست عنصری چند فرومایه توانستند نمایشی برای عبرت دیگران بوجود آورند. اما گلسرخی و دانشیان دراین صحنه چنان حماسه‌ای آفریدند که شعله‌های آن قبل ازهرچیز دامان خود رژیم را گرفت. وقتی نوبت متهمان درجه اول ودرجه دوم، یعنی خسرو و کرامت رسید، مشت گره‌کرده خسرو، صدای آرام و متین کرامت، بیدادگاه رابه دادگاه محاکمه رژیم جائی تبدیل کرد.

گلسرخی دربیدادگاه شاه ازخود دفاع نکرد، اواز خلقش دفاع کرد. دردفاعیاتش دیگر ازآن اندیشه‌های پریشان چریکی خبری نبود. اواز ارانی‌ها، روزبه‌ها ووارطان‌ها سخن گفت‌وهمچون یك مارکسیست ـ لنینیست به دفاع ازایدئولوژی خلاق‌خودبرخاست. دفاعیه خسرو دربیدادگاه نظامی شاه، درزیر سرنیزه‌ها، دریك قدمی چوبه اعدام، آمیزه‌ای ازدلاوری‌وواقع‌بینی یك مبارز انقلابی بود. خسرو، مبارزی‌که درقلب خونین‌توده‌ها آبدیده شده‌بود، درسال ۵۲، وقتی هنوز مبارزه خلق زیرپرچم اسلام انقلابی آغاز نشده‌بود، ازنقش اسلام حقیقی، سخن گفت، ازنزدیکی اندیشه مارکس و «علی» یادکردو «مولاعلی» را نخستین سوسیالیست جهان نامید.

این صدای خسرو است‌که ازاعماق بیدادگاه شاه می‌آید، ازفراز سرنیزه‌ها می‌گذرد، میدان خونین اعدام راپشت‌سر میگذارد وبه قلب توده‌ها سرریز میکند:

«امروزنیز اسلام حقیقی دین خودرا به جنبش‌های ملی ایران ادا می‌کند» و «آنچه‌که خلق‌ها تکرار کردند ومیکنند، راه مولا حسین است. به‌این‌گونه است‌که دریك جامعه مارکسیستی، اسلام حقیقی بعنوان یك روبنا قابل توجیه است ومانیز چنین اسلامی را، اسلام حسینی، اسلام مولا علی راتائید میکنیم.»

خسرو و کرامت درهردو جلسه بیدادگاه نظامی، رژیم شاه رارسوا کردند. صدای خلقی آنها، لبخندی‌که هنگام یاوه بافی «ژیگولوهای سیاسی» میزدند واستقامت واستواریشان، همه حسابهای ساواك رادرهم ریخت. خسرو و کرامت، از تلویزیون شاه مخلوع، به قلب خونین خلق راه یافتند وهنگامیکه درسحرگاه ۲۸ بهمن برقلبشان سرب نشاندند. آندو افسانه بودند. وقتی درسحرگاه خونین ۲۸ بهمن، دژخیم فرمان شلیك داد، خسرو و کرامت درقلب میلیونها ایرانی سرود فتح میخواندند.

وقتی توده‌ها به میدان انقلاب آمدند، همانان‌که «گلسرخ» راسمبل انقلاب ایران کرده ودر دوزخی‌ترین شرایط برسینه گل سرخ زده بودند، درشعارهای سوزان خود، خسرورا چنین نام دادند:

گل پرپر ایران، گلسرخی...

بخشی از دفاعیه وآخرین دفاع خسروگلسرخی در بیدادگاه نظامی شاه مخلوع:

خسروگلسرخی: مااسلام حسینی را تائید می کنیم

«من که یك مارکسیست ـ لنینیست هستم ، برای نخستین بار عدالت اجتماعی را در مکتب اسلام جستم و آنگاه به سوسیالیزم رسیدم . من دراین دادگاه برای جانم چانه نمی‌زنم و حتی برای عمرم . من قطره‌ای ناچیز از عظمت و حرمان خلق‌های مبارز ایران هستم. خلقی که مزدك‌ها ، مازیارها ، بابك ها و یعقوب لیث ها ، ستارها و حیدر عمواغلی‌ها، پسیان‌ها و میرزا کوچك‌ها ، ارانی‌ها ، روزبه‌ها و وارطان‌ها داشته است . آری ، من‌برای جانم چانه نمیزنم، چراکه فرزند خلقی مبارز ودلاور هستم.

از اسلام سخنم را آغاز کردم . اسلام حقیقی درایران همواره دین خودرابه جنبش‌های رهائی‌بخش‌ایران پرداخته است، سید عبدالله بهبهانی‌ها، شیخ محمد خیابانی ها نمودار صادق این جنبش ها هستند و امروز نیز اسلام حقیقی دین خود را به‌جنبش‌های آزادی‌بخش ملی ایران ادا می‌کند . هنگامی‌که مارکس می‌گوید :

«در یك جامعه طبقاتی ثروت در سوئی انباشته‌می‌شود و فقر و گرسنگی و فلاکت درسوئی دیگر ، درحالیکه مولد ثروت طبقه محروم است.» و مولا علی می‌گوید : «قصری برپا نمی‌شود مگر آنکه هزاران نفر فقیرگردند.» نزدیکی‌های بسیاری وجود دارد . چنین است که می‌توان در لحظه‌ای از تاریخ از مولا علی به عنوان نخستین سوسیالیست جهان نام برد و نیز از سلمان پارسی‌ها و اباذر غفاری‌ها .

زندگی مولا حسین نمونه زندگی کنونی ماست ، که جان برکف برای خلقهای محروم میهن خود در این دادگاه محاکمه می‌شویم . او دراقلیت بود و یزید، بارگاه، قشون ، حکومت و قدرت داشت . او ایستاد و شهید شد. هرچند که یزید گوشه‌ای از تاریخ را اشغال کرد، ولی آنچه که درتداوم تاریخ تکرار شد ، راه مولا حسین و پایداری او بود ، نه‌حکومت یزید . آنچه که خلقهاتکرار کردند و می‌کنند ، راه‌مولا حسین است . به این‌گونه‌است که دریك جامعه مارکسیستی ، اسلام حقیقی به‌عنوان یك روبنا قابل توجیه است و مانیز چنین اسلامی را ، اسلام حسینی مولا علی را تائید می‌کنیم.»

گلسرخی در آخرین دفاع خود ،دادگاه را به‌محاکمه می‌کشد و آنرا دربرابر دیدگان خلق‌های ایران و جهان محکوم می‌کند. اومی‌گوید:

«جامعه ایران باید بداند که من در اینجا صرفا بخاطر داشتن افکار مارکسیستی محاکمه ومحکوم به‌مرگ می‌شوم . جرم من نه‌توطئه و سوء قصد ، بلکه عقاید من است . من در این محکمه که آقایان روزنامه‌نویسان‌خارجی هم در آن‌حضوردارند ، علیه این دادگاه ، علیه سازندگان این پرونده و علیه صادرکنندگان بی‌مسئولیت رای‌دادگاه عادی اعلام جرم می‌کنم . من تمام مراجع ، کمیته‌ها و سازمانهای حقوقی و قضائی جهان رابه بذل توجه در این صحنه‌سازی‌ها ، به‌این‌جنایت دولتی که درشرف وقوع‌است، دعوت می‌کنم . این مساله‌ای است که در واقع باید به‌آن توجه شود . دادگاه نظامی حتی این زحمت را بخودنداده که پرونده مرا بخواند .

من که‌یك مارکسیست ـ لنینیست هستم و به‌شریعت اسلام ارج می‌گذارم و عقیده‌ام را که‌برای آن می‌میرم ، با صدای بلند فریاد می‌زنم که : در هیچ کجای دنیا ، در کشورهای وابسته و تحت سلطه استثمار چون کشورما، حکومت واقعا ملی نمیتواند وجود داشته باشد ، مگر آنکه نخست یك زیربنای مارکسیستی درجامعه بوجود آید»

آخرین دفاع کرامت دانشیان

کرامت‌الله دانشیان ضمن آخرین‌دفاع خودمی‌گوید:

«دادگاه اول بنا بشرایط فاشیستی حاکم برآن دفاع مرا ناتمام شنید . اگر وحشتی ازنیروی انقلابی و مبارزات مردم ندارید ودرواقع بمرگ طبقه حاکم‌برایران مومن نیستید ، تاریخ این واقعیت را نشان داده وخواهد داد. ایمان مابه‌پیروزی جنبش نوین ایران و سراسرجوامع طبقاتی جهان ، عظیم‌ترین قدرت است . اینراهم بگویم که مارکسیسم هیچگاه مورد خوش‌آیند طبقات حاکم و وابستگان آنهانیست ...»

برگی از دفتر یادداشت‌های روزانه

فریدون تنکابنی

دیدار با «خسرو» در دروازه غار

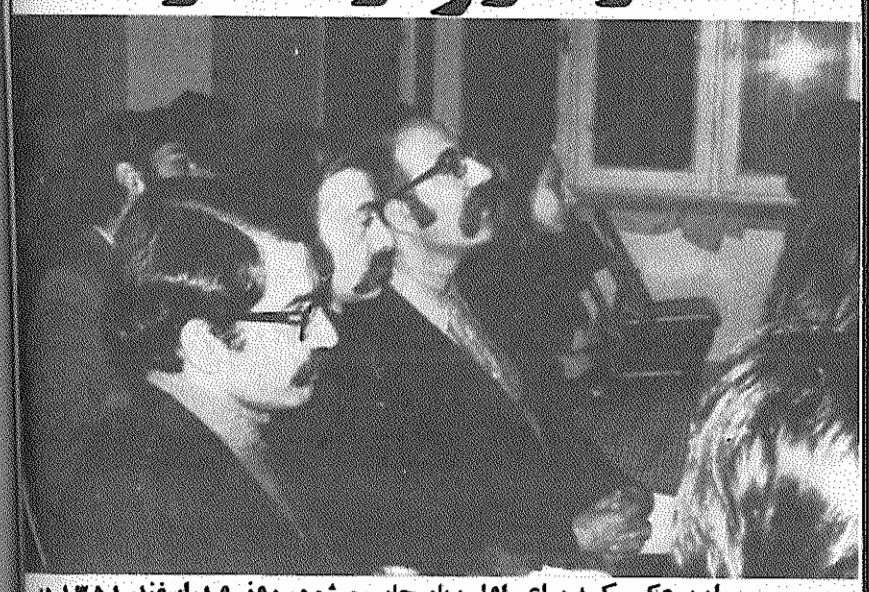

این عکس که برای اولین‌بار چاپ میشود، روز ۱۹ اسفند ۱۳۵۱ در مرکز رفاه خانواده واقع در دروازه غارگرفته شده است . در عکس، ازچپ‌براست علی‌اشرف درویشیان، خسروگلسرخی وفریدون‌تنکابنی دیده میشوند.!

شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۵۱

هرگزآرزوئی به این زودی‌برآورده‌نشده است. دوجمعه پیش‌که باچندتن ازدوستان به دروازه‌غاررفته بودیم، آرزوکرده بودم آشنایی آنجا پیداکنم‌که هم به‌کمك اوآنجا را بهتر بشناسم وهم بتوانم برای‌کودکان وجوانان‌آنجا کاری‌کنم.

چهارشنبه‌که به «انتشارات نمونه» رفته بودم، پاکتی به من دادند. رقعهٔ دعوتی بود از مرکزرفاه خانوادهٔ دروازه‌غار، برای دیدن نمایشنامه‌ای که جوانان محل، خود به صحنه آورده بودند.

انگاردنیارابه‌من داده‌اند. پنجشنبه بعد ازظهر با درویشیان رفتیم. گشتیم وگشتیم‌تامرکز رفاه خانواده را پیداکردیم وتو رفتیم. گرم و صمیمی تحویلمان گرفتند وزودخودمانی‌شدیم.

این جوانان، از دختر وپسر، داوطلبانه دارند اینجا کارمی‌کنند. خودشان می‌گفتندکه البته ارتباطی هم با آموزشگاه‌خدمات‌اجتماعی دارند ودانشجویان آنجا برای‌کارورزی‌به‌اینجا می‌آیند، اما بیشترشان فقط به فکرنمره‌اند، واین‌کارهم برایشان مانند سایرکارهاست، برای به دست‌آوردن لیسانس.

تاساعت اجرای نمایشنامه‌برسد، رفتیم طبقهٔ‌بالا، به‌کتابخانه.

بالای‌قفسه‌ها مقدارزیادی کتاب روی هم ریخته‌بود. پرسیدم‌که آن‌هاچیست؟ گفتندکه کانون‌پرورش فکری‌کتاب‌هایی راکه‌کهنه‌میشود، درانبار می‌ریزد، ما میرویم و ازشان میگیریم ومی‌آوریم. هنوزفرصت‌نکرده‌ایم مرتب‌کنیم.

من‌ودرویشیان گفتیم‌که‌شب‌می‌آئیم وآن‌ها را ازآن‌بالا پایین‌می‌آوریم ومرتب‌میکنیم...

به‌دیوار تصویر«صمد» رازده بودندوتکه‌ای بسیارخوب‌وگویا، ازیکی‌ازقصه‌های‌اورا انتخاب کرده وکنارش نوشته‌بودند.

گفتم،«پری‌رو تاب مستوری‌ندارد،
دراربندی، سراز روزن برآرد.»

هرچه دستگاه‌های رسمی راه‌برحقیقت و منادیان‌حقیقت ببندند، آن‌هااز جای‌دیگری‌راه بازمی‌کنند وسربرمی‌آورند.

خسرو هم‌آمده بود. کلی‌گپ‌زدیم ودرددل کردیم. می‌گفت:

«وقتی‌که‌کسی می‌گوید تیراژکتاب‌در ایران دوهزارتاست، میخواهم شکمش‌را پاره‌کنم. چه‌کسی‌می‌گوید‌کتاب در ایران خریدارندارد؟ آزادبگذارند، تیراژبه‌صد هزارمی‌رسد. وقتی‌که دردوسه روز، دوسه هزارنسخه‌کتاب به‌فروش می‌رسد، صدهزار اغراق‌نیست. این‌کتاب های انقلابی ومزخرف وبی‌بو و بی‌خاصیت است که خریدار ندارد .

الان نویسندگان انقلابی همدیگر را درجنگ‌ها ومجموعه‌های خودشان‌ملاقات می‌کنند و نویسندگان ارتجاعی هم در جنگ‌های خاص‌خودشان . صف‌ها کاملا مشخص شده است . تشویقی‌که‌مردم از ما می‌کنند وتوجهی که به مانشان می‌دهند، بزرگ‌ترین پاداش ماست . وبیزاری و تحقیری‌که به‌آن‌ها دارند ، بزرگ‌ترین کیفر آن‌ها.»

✡

نمایش‌آغاز می‌شد ، پایین‌رفتیم . «باتو» نوشتهٔ اسماعیل خلج‌بود . البته از نظرموضوع برای بچه‌ها مناسب‌نبود . اما چون صحنه صحنهٔ آشنای قهوه‌خانه بود ، از این نظرخوب بود وبچه‌هاهم بسیارخوب‌وماهرانه‌وشگفت‌انگیز بازی می‌کردند . مخصوصاً آن‌که نقش پالانداز شیره‌ای را بازی می‌کرد وآن‌که جاهل عاشق مسلك‌شده بود .

تصور می‌کردم شب اول است . گفتم اگر برای پدرومادرها نشان بدهند، بدشان خواهد آمد وخواهندگفت که اخلاق بچه‌های ما را دارید فاسد می‌کنید .

گفتندکه برای پدرمادرها نشان داده‌اند (البته زن‌ومرد جدا ازهم ، درشب های‌مختلف) وخیلی‌هم خوش‌شان آمده است .

دیدم درست است . چانماز آب کشیدن اخلاق خاص بورژواهاست .

مسئولان بی‌دریی ازما تشکر می‌کردند «قدم رنجه فرموده‌ایم و برآن‌ها مهر گذاشته‌ایم !»

گفتم ، «ما باید ازشما تشکر کنیم‌که این سعادت واین لذت را نصیب ما کردید.»

بازیگران خردسال را، که بزرگترشان پانزده سال بیشتر نداشت ، تحسین کردیم و آمدیم .

رفتیم خسرو رابه خانه‌اش برسانیم، ما را توبرد وبه‌اصرار برای شام نگه داشت و باهم از اوضاع و احوال روزگارگپ زدیم✡ وجند شعر ازشعرهایش را برایمان خواند.

پسرش یکی دوماهی است‌که به‌دنیاآمده اسمش راگذاشته است «دامون» .

✡ خواننده خود متوجه است‌که به‌اقتضای روزگار واز سر احتیاط ، موضوع گفت‌وگو و جزئیات آن دراین یادداشت‌ها ثبت نشده است .

بااالهام از برنامه محاکمه تلویزیونی خسروگلسرخی و کرامت‌الله دانشیان

حماسه گلسرخی

دست یغماگر ضحاك زمان کند زهن
همره دانشیان رفت به تاراج خزان
ای که تا لحظه آخر نشدی رام ستم
جان بکف در بر طوفان الم همچون کوه
خصم اگر دوخت به سنجاق ستم نای ترا
همه ذرات تو در محضر اهریمن جور
نگهت بود گواه غم تنهائی تو
غم مردان دلیری که فتادند بخاك
شه اگر کند ز دلهای همه بیخ امید
نشد از وحشت سرنیزه ضحاك زمان
چون اساطیر کهن از دل اعصار و قرون
شد برآوازه جهان زینهمه پاکی و شرف
گلسرخی که به‌گلزار وطن آذین بود
آنکه برصفحه شطرنج شرف فرزین بود
آهنین عزم تو نازم‌که نشد هرگز خم
نشد از همت مردانه تو یك جو کم
لیك چشمان تو باخلق سخنها گفت
چون خدایان ادب در معانی جفت
غم خلقی‌که تهی‌گشته زایمان بهوش
غم بی‌تابی این توده رنجور و بهوش
لیکن این فاجعه در جان تو تاثیر نکرد
آتش عشق وطن در دل پولاد تو مرد
نشود محوده و رسم گران جانی تو
آفرین باد براندیشه انسانی تو

سی‌ام بهمن‌ماه ۱۳۵۲ «ك.م» کام

برقرار باداتحادهمه‌نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیك ایران در جبهه‌متحد خلق